

توانند از طریق علم و دانش و آموختن کار و اندیشه و در هر یک فکر کنند تا در نهایت
 از دانشمندان و متخصصان و کربانان و غیره به نفع و صلاح و آسودگی و رفاه و سعادت و
 از دانشمندان محترم :
 و در موسی صدر

اسلام و مشکل اختلاف طبقاتی

« اختلاف طبقاتی چگونه بوجود میآید تا نیر انقلاب صنعتی دوراه »
 « حل، راه حل مارکسیسم و انتقاد آن، راه حل تأمین حداقل زندگی و انتقاد
 آن. آیا زکوة و خمس مالیات است؟ مالیات اسلامی چه بوده؟ راه حل اسلام »
 « برای مشکل مورد بحث فقر در اسلام چیست آیا فقر در زمانهای مختلف
 تغییر میکند؟ کیفیت اجراء قانون زکوة در این عصر یک راه حل دیگر »
 « اختلاف در چه مواردی باقی میماند و آیا ضروری دارد؟ »

محیط مادی یعنی مجموعه عوامل مختلف و متنوعی که بر افراد بشر
 احاطه کرده است بطور محسوس در وضع قیافه، قوای بدنی غرائز و عواطف
 و حتی افکار و اندیشه های وی مؤثر است، آب و هوا طرز تغذیه رطوبت
 هوا مقدار فشار جو، درجه حرارت، مناظر یکبار در زندگی در مقابل
 شخص قرار میگیرد آنچه در گوش او در ایام عمر طنین میافکند، سطح
 زندگی وضع خاص خانوادگی و بالاخره همه شرایط و اوضاعی که بنام
 محیط بشر را در دامن خود میبرد در تربیت روح و بدن انسان نقش
 بزرگی بر عهده دارد. مابین آن متوسط و ضعیف که توانسته است در این

این اصل را هر چند گروهی از فلاسفه مادی بطور مبالغه آمیزی
 پذیرفته و معتقد شده اند که همه قوای انسان فقط محصول محیط مادی

اوست و مؤثر دیگری در پیدایش آن وجود ندارد ولی اصل این تأثیران بطور اجمال مورد قبول همه متفکرین و فلاسفه میباشد، کشاورزی را که در محیط ساده دهکده چشم بجهان گشوده و در زندگی جزدشت پهنار و روافق بیکران در جلو چشم مشاهده نموده، سخا و تمندی و گشاده دستی ابر و باد و خورشید را احساس کرده، از امانت و خلوص زمین بهره ها گرفته است، آرامش محیط، پاک‌ی هوای ده، نظافت آب آشامیدنی او، اعصاب او را سالم بار آورده، این چنین کشاورزی را نمیتوان از نظر عواطف، افکار و قیافه با کارگری مقایسه کرد که جز محیط محدود کارگاه، صدای یکنواخت موتورها، وظیفه ثابت و لایتغیر یک ماشین، افراد مترکم و مجتمع کارگاه و هوای سنگین و آلوده بگاز فضای کارخانه در اطرافش نبوده و نیست ۱۱

ثروت‌تمندی که در آسایش و تنعم زندگی کرده، هرچسبه خواسته انجام یافته، در راه تحصیل ثروت بیشتر یک مطالعه جزئی و یک فعالیت مختصر فکری برای او کافی بوده، مطلقین و متخصصین از هر رشته در خدمتش آماده بوده اند، طعم فقر و گرسنگی را نچشیده و هیچ بیماری بدون درمان را نبرده است، آیمیشود از لحاظ روحیه عاطفه، و رزیدگی عضلات او را با خار کنی مقایسه کنیم که هزاران جهاد در یک روز برای تأمین معاش فقیرانه خود متحمل می‌شود و همه کارش را با تلاشهای طاقت فرسا خسودش بعمده دارد ۱۲.

و بالاخره جوانی که در محیط آزاد و بی بند و بار در آغوش شهوان و در دریای هوا و هوس غوطه‌ور بوده، نمیتواند مثل محصلی که زندگی را

در محیط پاك و جدی و منظم آموزشگاه گذرانده است فکر کند کار انجام دهد، عواطف مشابه و اعصاب یکسان داشته باشد این اختلالات قوای بدنی و روحی و تنوع شکل بدن و روح و تفاوت عواطف و غرائز در همه آثار و شئون زندگی مشهود میگردد.

کیفیت معاش، عقائد دینی و اجتماعی، ادبیات و هنر، آداب معاشرت، تربیت اولاد، طرز انتخاب مسکن، لباس، غذا و کلیه فعالیت‌های بشر تحت تأثیر شدید این اختلاف محیط مادی قرار میگیرد.

و این تفاوتها وقتی از يك نسل تجاوز کرد، بتدریج شدت می یابد و خود بخود این تفاوت جسمی و روحی، مادی و معنوی تبدیل بشکافهای عظیم صنفی، طبقه‌ای و ملی می شود و فاصله هارفته رفته زیادتر یادتر می گردد.



انقلاب صنعتی؛ توسعه روز افزون سرمایه داری، و تکامل و وسایل ارتباط و بالاخره ایجاد تمرکز در همه شئون اجتماعات بشری شرایط مساعدی برای تشدید این اختلاف و توسعه این شکاف در همه شئون و بخصوص در زندگی مادی مردم بوجود آورد. سرمایه‌های کوچک با مساعدت شرایط سرمایه‌های بزرگ تبدیل شد و بتدریج که پانیه‌ها، کارتلها و تراستها بوجود آورد قدرت دولتها در مقابل قدرت این سازمانهای اقتصادی ناچیز شد سرمایه‌های متوسط و ضعیف که نتوانست شرایط مساعدی تحصیل کند، بعات عدم امکان رقابت بتدریج از بین رفت، طبقات متوسط یا طبقه اول مبدل شد و یا در سلك طبقات ضعیف و محروم قرار گرفتند

پیشرفت صنایع توسعه بانکداری، سیستم های عالی تولید استعمار
 ممالک ضعیف و ایجاد بازار فرو شهای جهانی و بالا رفتن سطح زندگی
 بوسیله علوم و اختراعات؛ آنچنان سطح زندگی طبقات ممتازه را بالا برد
 که زندگیهای شاهانه گذشته هارا بخاطر میآورد و در مقابل فقر و فاقه
 مستمندان آنچنان جانگداز بنظر میآمد که هیچ شباهتی بزندگی ساده
 فقرای سابق نداشت.

گروهی اطفال رنجور و گرسنه خود را بسحرا برای چرا فرستادند
 و جمعی برای سگ و گربه خود و سائل باور نکردنی زندگی فراهم ساختند.
 قیمت يك پالتوی پوست خانمی از طبقات ممتازه برای امر از معاش يك خانواده
 چند سال کافی بود و سرمایه ای برای یکی از هزاران کاسب جزه
 که همه روزه در محلات دور افتاده می بینیم میتواند باشد فراهم بودن همه
 چیز سلامتی خدمتگذاری علم برای طبقات ممتازه و تحصیل را برای فرزندان
 آنها به بهترین شکلی آماده کرد و در نتیجه علم و صنعت و هنر هم در انحصار
 آنها درآمد.

فقدان وسائل و انحطاط سطح زندگی فقر و مرض در طبقات پائین
 امکان تحصیلات عالی را از فرزندان آنها گرفت و وسیله معالجه بدن رنجور
 و اعصاب فرسوده آنها را که از تغذیه نامناسب و آلودگی و کثافت مسکن
 و لباس آنها شدت مییافت برایشان فراهم نساخت و در نتیجه، وقتی فکری
 و حالی برای علم و معرفت نداشتند.

رفته رفته جامعه از در طبقه مشخص تشکیل شد؛ يك دسته دارای
 همه چیز شد. و دیگری همه چیز را از دست داد. آینده این در طبقه را هم بعلمت

موجود بودن شرائط، درست مثل گذشته آنها یا کمی شدیدتر باید دانست.

* * *

این شکاف عظیم و این ظلم جانکاه که نتیجه طبیعی سازمانهای اجتماعی بود، بزرگترین رنج روحی را برای وجدانهای بیدار متفکرین فراهم میکرد و بزرگترین خطر را نیز در مقابل طبقات مرفه بوجود میآورد. و در نتیجه مطالعه درباره علاج این بلای اجتماعی و این درد خطرناک شروع شد، معروفترین و مهمترین طریقه‌ای که برای درمان این درد و پر کردن این شکاف اندیشیده‌اند، دورویه و الغاء سرمایه‌داری از ابزار تولید و تاه این حداقل معیشت برای همه بود «

رویه اول يك رويه انقلابی محسوب میشود که بوسیله مؤسسين سوسیالیسم بدنيا عرضه شد و مارکس آنرا تکمیل کرد و انقلاب اکبر آنرا در کشور اتحاد جماهیر شوروی اجراء نمود ولی رويه دوم، انقلابی نبوده و در اکثر ممالک شرقی مغرب زمین بصورت‌های گوناگون معمول است. در این مقاله سعی میشود بعد از توضیح و انتقاد این دورویه، راه حلی را که اسلام در نظر گرفته و اجراء نموده است توضیح دهیم.

* * *

مکتب مارکسیسم یا سوسیالیسم علمی معتقد است: اگر ابزار تولید را از مالکیت طبقه سرمایه‌دار «بورژوا» در آورده آنرا عمومی و ملی کنیم این مشکل حل شده است.

پيروان این مکتب میگویند: تنها عامل تعیین کننده يك سیستم اجتماعی همان طرز تولید است: و تنها موجب اختلاف طبقاتی در رژیم سرمایه‌داری

اختصاص مالکیت ابزار تولید بطبقه بورژوازی باشد .
 این تسلاط بر وسائل تولید از قبیل کارخانه‌ها، بانکها، شرکتهای
 زمینهای زراعتی، معادن و غیره سبب شده که منافع، در اختیار مالکین
 و مؤسسين ابزار تولید در آید و شکاف طبقاتی عظیم بین این طبقه و طبقه کارگر
 (پرولتر) حاصل گردد .

و هر گاه این تفاوت اصلی و عظیم از بین برود، رفته رفته سطح زندگی
 مردم یکسان شده و این بکنواختی در مزاج افراد، در قوای بدنی،
 در فکر، در اخلاق، در فرهنگ، در مذهب و ادب و هنر تأثیر خواهد کرد
 و در نتیجه جامعه‌ای که از یک طبقه تشکیل شده بوجود خواهد آمد که
 در همه چیز هم آهنگی خواهند داشت و حتی در طرز تفکر و کلیه روبناهای
 اجتماع نیز متساوی و مشابه خواهند بود و بنابراین فقط و فقط باید
 مالکیت ابزار تولید و سرمایه‌های بزرگ را الغاء کرد .

ما در اینجا در مقام بحث در پایه‌های این نظریه از جهات فلسفی
 و اقتصادی و حتی سیاسی نیستیم و چون مشکلی را که در صدد پیدا کردن
 راه حل برای آن هستیم مشکل اختلاف طبقاتی است فقط بیک سؤال
 اکتفا می‌کنیم :

آیا محیط مادی و شرائط خارجی که باعث شد شما خالق فکر و ایده
 و کلیه روبناهای اجتماع است و در نظر سائرم تفکرین عامل مؤثر در ایجاد
 آنها است چه بوده؟ آیا فقط و فقط مالکیت ابزار تولید بود؟ آیا برای
 ایجاد وحدت طبقه، بجای یکنواخت کردن هزاران عامل مؤثری که محیط را

تشکیل میداد و علت ایجاد طبقات گوناگون اجتماع بود، فقط و فقط یکسان کردن يك عامل، هر چند مهم باشد، کافی بنظر میرسد.

مگر شما خالق ابدیه و فکر و پدید آورنده جسم و روح و موجود نیروهای بدنی و فکری را نقطه داشتن يك کارخانه و نداشتن آن میدانستید؟ یا می گفتید همه چیز و کلیه عوامل محیط را بوجود می آورد و این محیط مادی است که خالق و مؤثر است.

بنابر این شما باید برای ایجاد طبقه واحد، کلیه عوامل متنوع محیط را یکسان کنید و اگر نتوانستید، دست ازین مدعی بردارید.

و بهمین دلیل در داخل کشورهای سوسیالیستی هم نتوانسته اید وحدت طبقه: یعنی: وحدت فکر، ابدیه، عاطفه، غریزه؛ تمایل و نیروهای بدنی ایجاد کنید در چنین کشورها هر چند طبقه ای بنام بورژوا (سرمایه دار) یافت نمیشود ولی طبقات گوناگونی بنام افراد حزبی و افراد غیر حزبی، بوروکراتها (کارمندان)، مردم عادی، کشاورز، کارگر، جنک دیده، نظامی وجود دارد که از هر جهت مخصوصاً شرائط زندگی مادی و سطح زندگانی باهم متفاوت هستند.

تجمل برای طبقه بوروکرات؛ حزبی؛ نظامیان تا آنجا میرسد که انسان را بیاد سیستمهای فئودالیسته و سرمایه داری میاندازد.

افکار گوناگون و تمایلات مختلف حتی در بعضی از تربیت شده ها و رهبران حزبی دیده میشود که گاه بیگانه با رجوع؛ تندروی، چپ روی، خیانت؛ متهم و اخراج میشوند.

و از این اختلاف طبقاتی باشکلی جدید روشن است چه عوامل مادی

و شرائط پدید آورنده طبقه‌ها با تمام اختلافات در این رژیم باقی است
و امکان زوال ندارد و با بقای علت چگونه میتوان انتظار داشت معلول رفع
شود و مشکل محل گردد، گرچه یکی از عوامل مهم اختلاف؛ یعنی اختصاص
ابزار تولید مرتفع شد و از انحصار درآمد.

بخصوص که عامل توارث باریشه‌های محکم خود اختلافات عظیم
بدنی، فکری، هنری، اخلاقی و حتی سلیقه زندگی را نگاهداری میکند
* * *

کشورهای مرفقی سرمایه‌داری بایک سلسله قوانین و اقدامات اصلاحی
یک حداقل معیشت که شامل غذا، لباس، مسکن است برای طبقات محروم
و ضعیف در نظر گرفته‌اند و بعقیده خود: در مان این آلام اجتماعی را
نموده‌اند.

در برابر این نظریه باید گفت شما با این تصمیم مسلماً توانسته‌اید
از مرک طبقات ضعیف و محروم جاو گیری کنید و با این ترتیب دیگر طفلی
بچرانمیرود از بیدوائی کسی نمی‌میرد در زمستان هلاک از سر ما اتفاق
نمی‌افتد.

ولی آیا با این وسیله این شکاف عظیم اختلاف طبقاتی را پر کرده
اید؟! آیا این فاصله زیاد که بتدریج توسعه مییابد، باز برای اجتماع مشکلی
ایجاد نمیکند؟! آیا زندگی تجملی و افسانه‌ای طبقه ثروتمند که برای ابد
از دسترس طبقات محروم بدور است غضب و ناراضی‌های آنها را بر نمی‌انگیزد؟!
آیا این دسته از خلق خدا که قوانین غلط اجتماعی آنها را محروم کرده
است و هیچ نماینده‌ای در قانونگزاری و قوه مجریه ندارند، باید

برای همیشه يك زندگى مرفه را در احلام و آرزو هاى خود به بينند.

دين اسلام با نظر واقع بينى اين اختلاف طبقاتى را مطالعه کرده است از اين اختلاف آنچه را که خطرناک تشخيص داده است يعنى اختلاف در سطح زندگى مادى و آنچه از نتايج و آثار آنست علاج کرده و در سائر قسمتها با دستورات اخلاقى و تربيتى نتايج صحيحى از اين اختلاف گرفته است.

تشریح خمس و زکوة قانون مقدسى است که برای تعديل زندگى طبقات مختلف وضع شده است، شايد در نخستين برخورد چنين تصور شود که خمس و زکوة در شمار مالياتهاى اسلامى محسوب است و عده اى از نويسندگان هم بطور مسلم باين رأى معتقد شده اند.

بايد دانست که ماليات بر حسب تاريخى معانى متفاوتى داشته است اگر ماليات را بر حسب معنى معروف و تاريخى آن بوجهيکه (دولت بر اى اداره سازمانهاى خود و حفظ مملکت از تجاوز و امنيت داخلى و نظائر آن ميگيرد) تعريف کنيم بهيچوجه خمس و زکوة را نميتوان ماليات دانست.

مطالعه و دقت در آيات خمس و زکوة و ادله تشریح اين احکام الهى بخوبى مدعاى ما را روشن مي سازد.

آيه ۴۲ - از سوره انفال و اعلموا انما غنمتم من شىء فان لله خمسها و لرسول ولذى القربى واليتامى و المساکين و ابن السبيل ان کفتم آمنتم بالله
و بدانيد که پنج يك منافع شما از هر چيز بخداوند متعال و پيامبر او و امامان

تعلق دارد و همینطور متعلق بایتام و فقرا و از وطن دور ماندگان است، اگر ایمان بخدا آورده اید»

در آیه ۶۰ از سوره توبه آمده است. انما الصدقات للفقراء والمساكين و العاملين علیها و المؤلفه قلوبهم و فی الرقاب والغارمین و فی سبیل اللہ و ابن السبیل فریضة من اللہ و اللہ علیم حکیم کلیه صدقات (زکوة) (بهشت قسمت تقسیم می شود) و متعلق است بفقرا و بینوایان و کارمندان زکوة و کسانی که میخواهید دل آنها را بدست آورید و برای بردگان و برای بدهکاران و در راه خدا و برای از وطن دور ماندگان و این قانون لازم الاجراء از طرف خداوند است و خداوند دانا و مصلحت اندیش است.

«روایات متعدد بضمون این حدیث شریف وارد شده است: زراره و محمد بن مسلم بسند صحیح از حضرت صادق روایت میکنند که فرمود: خداوند متعال در اموال اغنیاء و ثروت مندانش حقی برای فقرا بمقدار کفاف آنها قرار داد و اگر میدانشست این مقدار کفاف فقرا را نمیدهد زیادتر قرار میداد» با مطالعه و دقت در این حدیث دلیل و سنا بر ادله خمس و زکوة روشن می شود که برای خمس شش مصرف و برای زکوة هشت مصرف معین شده است سه ششم از خمس که بنام سهم سادات معروف است و عشر منافع می شود برای یتیم، فقیر ابن السبیل اختصاص داده شده است. و در زکوة پنج مصرف را فقیر، مسکین، بدهکار، برده و ابن السبیل، تشکیل میدهد، سهم عاملین هم که در حقیقت بوجه سازمان زکوة محسوب می شود. سهم مؤلفه قلوبهم یک مصرف سیامی است و سهم «سبیل اللہ» نیز بنا بر تعریف جمعی

از فقهاء بزرگ میتواند هر نوع کار خیر باشد و شامل مصارف سیاسی دینی میگردد و در هر حال مسلم می شود که سهم سادات بطور درست و زکوة بطور اکثر یعنی شش مصرف از هشت مصرف آن اختصاص بطبقات محروم اجتماع دارد.

و بنا بر این از وجوهی که بمصارف سازمانهای دولتی و امور عامه مسلمین برسد نمیباشد و بهمین دلیل اطلاق مالیات اسلامی بر آنها صحیح نیست.

لازم است متذکر شویم که در نیم قرن اخیر دولت در پاره ای از شئون مربوط بطبقات محروم بشکل بیمه های اجتماعی کارگران، بهداشت مجانی نوانخانه ها، و امثال آن مداخله میکند و برای این منظور مالیات مطالبه می کند و در اینصورت میتوان اسم چنین مالیاتی را بر خمس و زکوة اطلاق کرد.

در هر صورت منظور ما از این بحث يك مناقشه اصطلاحی نبوده بلکه مطلوب اثبات این حقیقت است که زکوة و خمس برای رعایت و حمایت طبقات محروم وضع شده است. روایت گذشته باصراحت باین حقیقت گواهاست.

برای تأکید و تأیید این استنباط اضافه میکنیم که در پاره ای از روایات دیده میشود که مولی امیر المؤمنین علیه السلام بر قسمتی از اموال مسلمانان در ایام خلافت مالیات قرار دادند. چنانکه از حدیث معتبر و صحیح که زراره و محمد بن مسلم از حضرت باقر و صادق علیهما السلام نقل کرده اند بدست میآید. فرمود

(وضع امیرالمؤمنین (ع) علی الخیل العتاق الراعیة فی کل فرس فی کل عام دنیارین وجعل علی البراذین دنیاراً).

حضرت علی علیه السلام در هر سال بر هر اسبی دو دینار و بر هر الاغی یک دینار قرارداد از مشاهده تغییر وضع روشن میشود که مالیاتهای خاصی در صورت لزوم مقرر می شده است و برای تأمین سازمان حکومتی از اموال مخصوصی مطالبه میگردیده. این مالیاتها در هنگام تغییر و نقل بلفظ (وضع امیرالمؤمنین علی) نقل می شده نه مثل روایات و آیاتیکه برای وضع و تشریح زکاة و خمس وارد شده است هر چند جماعتی از فقهاء بزرگ روایت یاد شده را دلیل بر استحباب زکوة گرفته اند ولی از ظاهر عبارت آنچه گفته شد بدست می آید و در هر صورت در عبارات زکاه و خمس کمتر چنین تعبیری یافت می شود.



حال به بینیم قانون خمس و زکوة برای حل مشکل مابعدی اختلاف طبقاتی چگونه تأثیری خواهد داشت.

در دو آیه شریفه و روایتی که گذشت روشن شد که مصرف خمس و زکاة طبقات مستمند هستند همانطور که مفهوم روایت گذشته این بود که مقداریکه اغنیاء باید بپردازند بطور حتم کفاف معیشت فقرارامیدهد.

و اینک بچند روایت زیر توجه نمائید:

۱- عن ابی بصیر قال سألت ابا عبد الله (ع) عن رجل له ثمانمائة درهم وهو رجل خفاف وله عیال كثير الا ان يأخذ من الزکوة ؟ فقال: یا ابا جهمد أیربح فی دراهمه ما یتوت به عیاله ویفضل ؟ قال نعم، قال کم یفضل ؟ قال

لا ادري قال : ان كان لا يفضل عن القوت مقدار نصف القوت فلا يأخذ الزكوة وان كان اقل من نصف القوت اخذ الزكوة ؛ قال قلت فعليه في ماله زكوة تلزمه ؟ قال بلى قال قلت : كيف يصنع ؟ قال يوسع بها على عياله في طعامهم و كسوتهم و يهتمي منها شيئاً يئناو له غيرهم و ما اخذ من الزكوة فوضه على عياله حتى يلحقهم بالناس .

در این حدیث شریف مرد کفش دوزی که فقط هشتصد درهم سرمایه دارد فرص شده و در صورتیکه از این سرمایه ناچیز اندکی بیش از قوت خانواده اش در آمد داشته باشد اجازه گرفتن زکاة باو داده شده است و در آخر روایت با کمال صراحت فرموده اند ؛ آنچه از زکاة دریافت کرد برای توسعه و بالا بردن سطح زندگی خانواده گی خود مصرف کند تا با سایر مردم هم سطح گردند .

مشاهده میشود که پرداخت زکاة بیک خانواده فقیر هر چند کاسب باشند و قوت لایموت بلکه اندکی بیشتر داشته باشند آنقدر ادامه دارد تا سطح زندگی آنها با سطح عادی زندگی مردم دیگر یکسان شود و اختلاف طبقه ای رفع شود .

۲ مؤثفة سماعة قال سألت ابا عبد الله ع عن الزكوة هل تصلح لصاحب الدار والخدام ؟ قال نعم .

حضرت صادق عليه السلام پرداخت زکاة را بمردی که آبرو مند است و خانه و خادم دارد تجویز میفرمایند و روایات بسیار باین مضمون وارد شده یعنی داشتن خدم و حشم و خانه و حتی شتر چنانکه در روایت اسمعیل بن عبدالعزیز آمده است مانع از زکاة نیست در صورتیکه در آمدش کفاف شأن او را نکند

۳- روایة عبدالرحمن بن حجاج ان الرجل يكون ابوه او عمه او اخوه يكفيه مؤنته ياخذ من الزكوة فيوسع به ان كانوا لا يوسعون عليه في كل ما يحتاج اليه ؟ فقال لا بأس.

در این حدیث برای کسی که در آمد ثابتی از اقوام خود دارد ولی در وسعت نیست زکوة گرفتن بمنظور توسعه زندگی تجویز شده است .

۴- روایات بی شماری در باب زکوة آمده است که باز کوة میتوان

حج بجا آورد و میتوان بفقیری آنقدر زکوة داد تا غنی شود تا آنجا که

در یکی از این احادیث کافی - عاصم بن حمید از ابی بصیر وارد شده که شخصی

بعثت آنکه پیر مرد مستحق گوشت و خرما میخورد و کمی با توسعه

زندگی میکند از دادن زکوة با خودداری کرده است، در مقابل، حضرت

صادق علیه السلام با تأثر و تهنیت با امتد ~~کرم~~ می شوند که خداوند متعال حساب

مخارج فقرا را از خوردن و آشامیدن و لباس پوشیدن و ازدواج و حتی

صدقه دادن و حج کردن فرموده و آنگاه بمقدار کفایت این مخارج

(و نه کمتر از این مقدار) براغنیاء واجب نمود و در راه و مالشان حق فقرا را معین کرد

رتال جامع علمیه

اکنون که خواننده عزیز این روایات را با دقت مطالعه کرد برای

آنکه بهتر بمقصود اصلی از این مقاله پی برد بنکته ذیل توجه فرماید:

در همه آیات و روایات زکوة و خمس نام از فقیر و مسکین برده

می شود و فقیر را چنین تعریف کرده اند: کسی که وسیله امر از معاش

تأمین زندگی سالیانه خود را نداشته باشد ما میتوانیم ادعا کنیم که مفهوم

و معنی فقیر هم مثل اغلب مفاهیم عرفی بر حسب طول تاریخ و تغییرات

زندگی بشر و تفاوت وضع معیشت عمومی و بلکه بر حسب تفاوت مناطق و شهرها در يك زمان متفاوت و متغیر است. . . .
 در روزگار و یا شهری که قوت غالب مردم نان جو باشد فقیر کسی است که برای نان جو سالانه خود معطل باشد، ولی اگر قوت غالب يك شهر برنج شد هر گاه کسی دسترسی ببرنج نداشته باشد فقیر محسوب میگردد هر چند بتواند نان گندم و یا جو هم تهیه کند فقیری را در درشت دیدم که استرحام میکرد و میگفت سه شب است نان گندم میخورم و به برنج دست نمی یابم.

همین نسبت در تمام شئون زندگی از لباس، مسکن، خوراک و حتی وسائل تفریح و تجمّل ثابت است و کسی که در آمد او کفاف زندگی عادی زمان را ندهد جزو فقرا بشمار می آید و در نتیجه هر چه سطح زندگی مردمی بالا رفت، معنی فقر در آن جامعه تغییر میکند و توسعه می یابد. . . .
 امروز اگر کسی پیاده مسافرت کند یا کفش نداشته باشد یا در يك زاغه یا چادر زندگی کند یا نان جوین بخورد، و بالاخره لباس کرباس بپوشد از فقرا خواهد بود در حالی که روزگاری سفر پیاده کردن معمول همه طبقات بوده است. کفش را فقط متجملین میپوشیدند و همینطور . . .

* * *

و اکنون نتیجه عملی زکوة و خمس و تعدیل طبقاتی که اسلام طرح ریزی کرده مشاهده می کنید از درآمد اغنیاء و طبقه ثروتمند يك دهم بعنوان خمس بطبقات خاصی از معر و مین اجتماع و يك دهم و گاهی يك بیستم بعنوان زکوة بطبقات دیگری از این مستمندان داده میشود. . . .
 این ریزش و انتقال ثروت از طبقات بالاتر به طرف طبقات محروم

آنقدر ادامه خواهد یافت تا این سر ازیری برگردد و شکاف مسدود شود و تعادل در سطح زندگی این طبقات ضعیف با سطح عادی مردم حاصل گردد و با اصطلاح روایت ابی بصیر «حتی یلحقهم بالناس» (تا با سطح زندگی مردم مساوی گردند و با اصطلاح روایات دیگری آنقدر این کمک مخارج ادامه مییابد که فقیر غنی گردد

و توجه ببحث گذشته درباره معنی فقر بخوبی تعادلی را که در اثر این کمک مداوم و مستمر بطبقات ضعیف بوجود میاید نشان میدهد

بخصوص که در روایت سماعه و عده ای دیگر از روایات مستحق زکوة را فقط کسی که قوت لایموت نداشته باشد ندانسته و کسانی را که خانه و نوکر هم دارند شامل شده و مصرف زکوة تشخیص داده شده است و این خود بهترین تأیید مدعای ماست در روایت عبدالرحمن بن حجاج و روایاتی دیگر گرفتن زکوة برای توسعه زندگی و بالا بردن سطح معاش مجاز دانسته شده و در روایت عاصم بن حمید برای بهبود معیشت و بهتر زندگی کردن دستور پرداخت زکوة داده شده و گوشت و خرما که زندگی خوب آن زمان بود مانع استحقاق زکوة نبوده است تا آنجا که در ذیل همین روایت و روایات دیگر با کمال صراحت لفظاً «وسعمهم» بکار رفته که حکایت میکند حقوقی را که بر اغنیاء واجب است موجب توسعه معاش فقراست و اگر کافی نبود بیشتر واجب می شود و بالاخره هر چه سطح زندگی طبقات مرفه بالا رفت با پرداخت این حقوق سطح زندگی طبقات ضعیف را هم بالا خواهند برد و تعادل منطقی و صحیح که زائیده فکر نویسندگانه نبوده بلکه روایات گذشته با صراحت بر آن گواهاست بوجود می آید.

در اینجا يك حقيقت را بايد بخوانندگان توجه دهيم : در مذهب اسلام دستور پرداخت زكوة و يا خمس بطور كلي صادر شده و نتايج آنهايم بعرض رسيد ولى اجراء اين حكم الهى و طريق عملى كردن اين قانون مقدس بعهده زمان واگذار شده است تا هر طريق كه حاكم مسلمين مصاحبت ديد آنرا اجرا كند و تصور ميرود براى آنكه پرداخت زكوة شكل زنده اى پيدا نكند و آبروى كسانى را نريزد و فقرا را از كار باز ندارد ميتوان زكوة و خمس را بشكل ييمه هاى اجتماعى كارگران در آورد و باين ترتيب شكل پرداخت ، آبرومند و ضررهاى بخشش مجانى ببار نخواهد آمد .

كانونى كه براى تايمين معاش فقرايى كه نقص عضوى دارند تشكيل ميشود و در آنجا وسيله كار بفرخور امكان آنها در دسترسان گذارده ميشود از بهترين شكل هاى پرداخت زكوة است و بالاخره به داشتن فرهنگ عمومى خوديكى از عملى ترين راههاى مؤثر كمك بطبقات مستحق زكوة شمرده ميشود

راه حلى كه بوسيله خمس و زكوة براى تعديل اختلاف طبقاتى در نظر گرفته شده است در حقيقت بالا بردن سطح زندگى طبقات محروم مي باشد بايد افزود كه در دين اسلام راه حل ديگرى نيز وضع و تدوين شده است كه در واقع جلوگيرى از ايجاد شكافهاى عظيم اختلاف طبقاتى است . قيود و محدود بتهائى را كه در اين دين براى تحصيل ثروت ، تشريع شده از حرمت ربا (جلوگيرى از بانكدارى) كه اساس سرمايه دارى

امروز دنیا را بوجود آورده است تحریم احتکار، جلوگیری از معاملات «جزاف» و «غرر» که احیاناً موجب ثروتهای بیکران است و گاه سبب ضرر میگردد و از اینجهت بقمار شبیه است و بعد از همه جمع آوریهای ثروت و تمرکز سرمایه از یکباره سرمایه عظیم را بچند سرمایه کوچک مبدل می کند و بنا بر این میتوان گفت غالباً ثروتهای افسانه ای بوجود نمیآید این مطلب خود در خوریک مقاله فنی مفصل و دامنه دار میباشد، در دین اسلام سعی شده است از تظاهر به ثروت مندی جلوگیری شود تا حتی المقدور از ایجاد شکافهای عظیم و تجلی آنها در روحیه افراد پیشگیری گردد ریخت و پاش (تبذیر و اسراف) حرام شده مترفین همه جا مورد ملامت واقع شده اند و یکی از اساتید بزرگ معتقد بود لباس شهرت یعنی لباسی که سبب مشهور شدن شخص شود بهمین دلیل حرام شده است چه تظاهر بتجمل خود سبب شهرت است.

شهره شگانه علوم * نالی * مطالعه * فرنگی

تا اینجا اختلاف طبقاتی از نظر سطح زندگی و کیفیت امرار معاش مطرح بود و راه حل پیشنهاد شده دین مقدس اسلام را مطالعه می کردیم و اکنون اختلافات دیگر مردم را از قبیل اختلاف در قوای بدنی فکری، تفاوت در عواطف و اخلاق و استعداد صنعتی هنری مطالعه نمائیم: در این مورد نه تنها در دین اسلام سعی برای بر طرف کردن این اختلافات دیده نمی شود (بر خلاف روش مارکسیسم) بلکه از پاره ای کلمات بزرگان اسلام استفاده می شود که وجود این تفاوتها لازم و رحمت است

همین تفاوتها سبب می شود که وظائف گوناگون اجتماع را هر کس بر حسب استعداد خود بعهده بگیرد و هیچ وظیفه ای زمین نماند چه هر کس بر حسب ذوق و تخصص فکری و علمی خود کار را متعهد میشود و جامعه از تخصص و تفاوت نیروی فکری و هنری و صنعتی او با دیگران بهره مند می شود.

و برای اینکه این تفاوتها کدورتی ایجاد نکند و سبب تفاخری نشود و صمیمیت یک جامعه که باعضاه گوناگون نیاز مند است بهم نخورد دستورات اخلاقی بسیار وسیعی برای وظائف افراد خانواده نسبت بیکدیگر و نسبت بهم سایه و دوستان و استاد داده شده است و برای تعاون و همکاری و جلوگیری از هر نوع سوء تفاهم تا کیدات بلایغی بعمل آمده که خود در خورد یک بحث مشروح و دامنه دار است.

رتال جامع علوم انسانی

دارد میشود

در سطور (۱) (یاخته) - موجودات زنده ، از یک ویا اجتماع از
 و اجدهای زنده نام سلول تشکیل شده اند . مثلا مکرر مالا یا حیوان است
 یا همیشه مکرر . در ششترالفا ؛ بالحق ت و ت و شغالذ که ت کما
 یک سلولی (یاخته ای) بوجود آورده اند ، اینها را جاندارها می چند
 پایه و پیچیده تر است از آنست که در تمام اینها یک پایه و پیچیده تر است
 سلول (یاخته ای) میباشد
 در ششترالفا ؛ بالحق ت و ت و شغالذ که ت کما
 یک سلولی (یاخته ای) بوجود آورده اند ، اینها را جاندارها می چند
 پایه و پیچیده تر است از آنست که در تمام اینها یک پایه و پیچیده تر است
 سلول (یاخته ای) میباشد